



یارب از خاطرش اندیشه بیداد ببرد

ب ب خرد

امتحان کن که کسی کنج مرادت بدهد

برف لاک فلک لیک لیک



مرغ زیرک که می روید از دام با همه زیرکی به دام افتاد  
 چه گوارد این آب اچه زالل این رود مردمان سررود آب را نمی مند  
 که هوای پاک جستن بودش چه سهل و آسان  
 چه کوه روی حزن خودم ایستاده ام کوهی که ایستاده به جای نمی رسد  
 جراحی خرید خرما خراسان  
 خرد داد  
 خردمند گوید خرد پادشاست که بر خاص و عام آزمائزات هر منرگان  
 پناه بلندی و پستی تویی همه نیستند آنچه هستی تویی  
 دل ز خرد گشت پر ز نور ما سر ز خرد گشت بی خار ما  
 بچو ریش در به سالان بچو جان در بر بدن  
 مرد خرد را به علم یاری ده که خرد علم را خریدار است  
 گفت بچه با این هم معلم شما گفت بچه با این  
 هم معلم شما